

اسلوب استثناء و حصر

درس ۳ عربی دوازدهم مشترک و انسانی

تعریف: به خارج کردن اسمی از یک حکم کلی استثناء می‌گویند مانند: فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةَ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا ابْلِيسَ	اسلوب استثناء
مستثنی (جدا شده از ماقبل): به اسم پس از «إلا» مستثنی می‌گویند	
ادات استثناء: إِلَّا	ارکان استثناء
مستثنی منه: به کلمه‌ای که بر کل دلالت می‌کند، مستثنی منه گفته می‌شود	
مانند: «ملائکة» در مثال بالا	
تذکره ۱: در اسلوب استثناء تمام ارکان استثناء وجود دارد	
تذکره ۲: در اسلوب استثناء معمولاً جمله مثبت است	
تعریف: «حصر» یعنی اختصاص دادن چیزی به کسی یا موضوعی، در واقع در اسلوب حصر، «الّا» برای استثناء نمی‌آید بلکه برای اختصاص و حصر است مانند: لا يَبِئسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ	اسلوب حصر
اسم محصور: اسم پس از «إلا»	
ادات: إِلَّا	ارکان حصر
در «اسلوب حصر» مستثنی منه وجود ندارد	
تذکره: در اسلوب «حصر» معمولاً جمله «منفی» است	

نکات

۱- دقت کنید که همه‌ی جملات منفی «اسلوب حصر» نیستند بلکه در صورتی «حصر» محسوب می‌شوند که در جمله «مستثنی منه» وجود نداشته باشد، به عبارت دیگر اگر در جمله «مستثنی منه» آمده باشد در هر شرایطی (چه مثبت و چه منفی) اسلوب استثناء خواهد بود، بنابراین جملات زیر «استثناء» است:

ما جاء شخصٌ إلا أخاك.

لا ينجح الطالب في الامتحان إلا محمداً.

لم يخرج أصدقائي من المدرسة إلا واحداً.

ما طالعث ليلة الامتحان كتاباً إلا كتاب العربية.

در واقع برای تشخیص نوع استثناء می‌توان از الگوی زیر استفاده کرد:

جمله‌ی مثبت ← اسلوب استثناء

مستثنی منه وجود دارد ← اسلوب استثناء

مستثنی منه وجود ندارد ← اسلوب حصر

۲- در مبحث مضارع منصوب خواندیم که:

أن + لای نفی = ألا أن لا تُجاهدوا = ألا تُجاهدوا

توجه کنید که «ألا» با «إلا» اشتباه نشود.

۳- همانگونه که گفته شد، مستثنی منه، اسمی است که بر کل دلالت می‌کند و مستثنی جزئی از آن است - معمولاً مستثنی منه یکی از سه حالت زیر است:

الف- اسم‌های که بر جمع دلالت می‌کنند (سالم - مکسر - اسم جمع) مانند: تلامیذ - معلّمون - طلاب - مسلمون - ناس و ...

ب- اسم‌های مفرد نکره در جملات منفی مانند: کتاب - شیء - تلمیذ - احد - مؤمن و ...

لا يرجع تلميذ إلا صدیقی ما شاهدنا احداً إلا المعلم لا تقرؤون كتاباً إلا العربية

تذکره مهم: اگر در جمله قبل از «إلا» اسم مفرد نکره ریده شود، معمولاً مستثنی منه است.

ج- اسم‌هایی مانند «کل - جمیع» که بر کل دلالت می‌کنند.
کُلُّ شَيْءٍ يَرِخُصُّ إِذَا كَثُرَ الْإِدَابُ. ینجُحُ جمیع التلامیذ فی الامتحان الآ محمدأ.
ینقص کُلُّ شَيْءٍ بِالْإِنْفَاقِ الْإِلْعَلْمُ.

اینگاه ترجمه

معمولاً اسلوب حصر به صورت «مثبت تأکیدی» ترجمه می‌شود:
منفی + الآ ... ← فقط + مثبت
لاتقولوا الآ الحقی ← فقط حق را بگویید. (جز حق را نگوید)
لاتعبُدوا الآ الله ← فقط خدا را عبادت کن. (جز خدا را عبادت نکن)
لایرجع الآ صدیقی ← فقط دوستم باز می‌گردد. (جز دوستم باز نمی‌گردد)